

Enhancing Capital Market Information Transparency in the Context of Corporate Anomalies

Ali Karimi Eskabani

PhD. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. akarimi90@gmail.com

Ali Najafi Tavana

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). Ali.najafi_Tavana@iauctb.ac.ir

Majid Ghorchi Beigi

Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Kharazmi University, Tehran, Iran. majid.baygi@khu.ac.ir

Abstract

Purpose: One of the most effective tools in enhancing the efficiency of the capital market is transparency in information. A lack of transparency poses significant risks to investors. Effects of reduced transparency in capital information include fraudulent practices and inadequate financial reporting. This study aims to investigate the causes of anomalies in corporations and their impact on the transparency of capital market information.

Method: This research employs a qualitative approach grounded in the foundations of data theory. Qualitative data collection relies on a judicious selection of ten legal cases pertaining to the transgressions of stock companies adjudicated in the criminal courts of Tehran during the years 2013 to 2019. The purposive sampling technique is applied, and qualitative data analysis is executed through a systematic data plan grounded in foundational principles. Consequently, the elicited concepts undergo a multistage assessment encompassing open, axial, and selective coding.

Findings: The codes identified in relation to causal conditions are organized into four overarching categories, comprising 31 sub-categories. In the pursuit of elevating capital market transparency, mitigating impediments within the business milieu, minimizing government ownership, and rescinding obligatory market interventions, the identified causative factors are categorized into three primary domains, encompassing 25 sub-categories. These factors illuminate the inadequacy of punitive and repressive measures in curbing transgressions and irregularities within the stock and securities markets. Consequently, the implementation of proactive and deterrent mechanisms emerges as a fundamental instrument for enhancing capital market transparency. Underlying causes are classified into three primary categories, housing six sub-categories. These underpinning factors underscore the necessity of amalgamating education-driven and awareness-enhancing initiatives, with the objective of bolstering financial literacy and inculcating principles of equity ownership. Furthermore, these factors

Cite this article: Karimi Eskabani, A., Najafi Tavana, A. & Ghorchi Beigi, M. (2024). Enhancing Capital Market Information Transparency in the Context of Corporate Anomalies. *Sciences and Techniques of Information Management*, 10(1): 265-289. <https://doi.org/10.22091/STIM.2024.9823.1999>

Received: 2023-09-19 ; **Revised:** 2023-10-11 ; **Accepted:** 2023-10-27 ; **Published online:** 2024-03-22

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.



spotlight the importance of averting the characterization of individuals as malefactors in the capital market. Weaknesses in internal monitoring mechanisms, such as lapses in the appointment of internal auditors and audit committees, engender an environment conducive to fraudulent activities. This, in turn, results in a diminishment of financial reporting quality and a reduction in the transparency of information disclosed by corporate entities, thereby augmenting market risk.

Conclusion: The utilization of market regulation measures will significantly contribute to transparency in the capital market. This is because minimal and minimalistic criminal measures in the business sector not only prevent irregularities but also prevent the productive sectors of the economy from becoming inefficient.

Keywords: Information Transparency, Capital Market Anomalies, Quality.

ارتقای شفافیت اطلاعات بازار سرمایه در پرتو علت‌شناسی از ناهنجاری‌های شرکت‌ها

علی کریمی اسکابنی

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
akarimi90@gmail.com

علی نجفی توانا

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Ali.najafi_Tavana@iauctb.ac.ir

مجید قورچه بیگی

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. majid.baygi@khu.ac.ir

چکیده

هدف: از ابزارهای اثرگذار در کارایی بازار سرمایه، شفافیت اطلاعات است. فقدان شفافیت اطلاعات از ریسک‌های قابل توجهی است که سرمایه‌گذاران را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد. از متغیرهای اثرگذار در کاهش سطح شفافیت اطلاعات بازار، ارتکاب رفتارهای متقلبانه و ضعف گزارشگری شرکت‌ها است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، شناسایی ناهنجاری‌های شرکت‌ها و نقش آن در شفافیت اطلاعات بازار سرمایه است.

روش: در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌های کیفی اسناد قضایی (۱۰ پرونده‌های قضایی) مربوط به جرایم شرکت‌های بورس مطروحه در محاکم کیفری تهران و برای سنوات ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند بوده و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی براساس طرح سیستماتیک داده‌بنیاد است. از این‌رو، داده‌ها پس از استخراج مفاهیم، در چند مرحله و به طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته‌ها: کدهای شناسایی شده در رابطه با شرایط علی در قالب ۴ مقوله اصلی و ۳۱ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. از این‌رو، به منظور افزایش سطح شفافیت بازار سرمایه، رفع موانع در فضای کسب‌وکار، کاهش تصدی‌گری دولت، و حذف برنامه‌های دستوری، از ضروریات این بازار است. علل مداخله‌گر در قالب ۳ مقوله اصلی و ۲۵ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. این علل بیانگر ضعف و ناتوانی ضمانت اجرای سزاگرا و سرکوب‌گر در مهار جرم و ناهنجاری در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار است. از این‌رو، بهره‌مندی از سازوکارهای کنشی و کاهنده، از لوازم شفافیت بازار سرمایه است. علل زمینه‌ای در قالب

استناد به این مقاله: کریمی اسکابنی، علی؛ نجفی توانا، علی؛ قورچه بیگی، مجید (۱۴۰۳). ارتقای شفافیت اطلاعات بازار سرمایه در پرتو علت‌شناسی

از ناهنجاری‌های شرکت‌ها. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۱۰(۱): ۲۶۵-۲۸۹. 10.22091/STIM.2024.9823.1999

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۳

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۳ مقوله اصلی و ۶ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. این علل مبین لزوم اتخاذ برنامه‌های آموزش محور و آگاهی‌بخش، با هدف افزایش سطح سواد مالی و ترویج اصول سهامداری و مهم‌تر از همه پیشگیری از بزه دیده شدن افراد در بازار سرمایه است. به‌علاوه، ضعف مکانیزم‌های نظارت‌مدار درون‌سازمانی ناظر بر عدم رعایت شرکت‌ها برای تعیین حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی، و به‌تبع آن افزایش تقلب، ضعف گزارشگری مالی و کاهش سطح شفافیت اطلاعات افشایی شرکت‌ها ازجمله علل افزایش ریسک و کاهش شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه است.

نتیجه‌گیری: بهره‌مندی از مقررات تنظیم بازار در ایجاد شفافیت در بازار سرمایه بسیار راهگشا خواهد بود. بدان علت که تدابیر کیفری حداقلی و کمینه‌گرا در حوزه کسب‌وکار، ضمن پیشگیری از ناهنجاری‌ها، از ناکارآمد شدن بخش‌های مولد اقتصادی ممانعت به عمل می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: شفافیت اطلاعات، ناهنجاری، بازار سرمایه، سازمان بورس و اوراق بهادار.

۱. مقدمه

شفافیت در بازارهای مالی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چراکه از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تعیین استراتژی سرمایه‌گذاری در بازار سهام شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌های بورسی است. عدم شفافیت اطلاعات مالی و حسابداری، همیشه به عنوان یکی از تأثیرگذارترین متغیرها جهت انتخاب خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی شناخته می‌شوند. برخلاف این موضوع، مدیران واحدهای تجاری که مسئولیت تهیه گزارش‌های مالی را برعهده دارند، معمولاً انگیزه دارند به منظور حفظ منافع شخصی، اطلاعات مالی را تحریف نمایند. عوامل متعددی می‌تواند بر رفتار سرمایه‌گذاران تأثیرگذار باشد که یکی از این عوامل عدم اطمینان و عدم شفافیت اطلاعات مالی است (هیسو، ۲۰۰۶). به‌علاوه در شرایط فقدان شفافیت کامل در گزارشگری مالی، مدیران انگیزه دارند برای حفظ شغل خود، بخشی از زیان‌ها را پنهان نمایند. از این‌رو، در یک محیط گزارشگری غیرشفاف، سرمایه‌گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه‌های زیان‌ده شرکت نیستند. ناتوانی سرمایه‌گذاران در تمایز بین پروژه‌های سود و زیان‌ده در مراحل اولیه آنها باعث می‌شود که پروژه‌های زیان‌ده ادامه یابد و با گذر زمان زیان‌دهی آنها افزایش یابد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۰). بر این اساس، تقلب به عنوان عامل اصلی تهدید بازار سرمایه تلقی می‌گردد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴). تقلب در بازار سرمایه موجب کاهش اعتماد و فقدان سرمایه‌گذاری در این حوزه اقتصادی را فراهم می‌سازد (ویزن و همکاران، ۲۰۰۰^۱، ص ۸)، از این‌رو، علت‌شناسی از ناهنجاری‌های شرکت‌ها در بازار سرمایه، مساعدت شایانی به رفع مخاطرات بازار خواهد نمود. از این حیث علت‌شناسی رفتارهای مجرمانه از دو منظر واجد اهمیت است: اول، نخستین مرحله از سیاست‌گذاری پیشگیرانه است، و دوم، به واسطه آن شناخت تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان نسبت به پدیده مجرمانه و چرایی وقوع آن امکان‌پذیر می‌شود (نیاپور، ۱۳۹۶، ص ۱۳۳۰). امروزه به واسطه نرخ فزاینده ناهنجاری‌های شرکت‌ها در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار، ازجمله دغدغه‌های نهاد ناظر، برقراری امنیت اقتصادی و بازار شفاف، کارآمد، برابر و منصفانه برای سرمایه‌گذاران است.

ساختار پژوهش حاضر مبتنی بر پژوهش کیفی بوده و شامل: الف) جمع‌آوری داده‌ها از اسناد و پرونده‌های قضایی، ب) روش‌شناسی و مفهوم‌سازی، کدگذاری و برقراری ارتباط بین مفاهیم، ج) ارائه یافته‌ها، است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال‌ها است:

۱) از منظر علت‌شناسی چه مولفه‌هایی زمینه‌ساز ظهور و شکل‌گیری جرم و ناهنجاری در حوزه

بازار سرمایه است؟

۲) انگیزه مرتکبان و ناقضان از نقض هنجارهای این حوزه چیست؟

۳) سیاست جنایی بورس و بازار اوراق بهادار در مواجهه با ناهنجاری‌های این حوزه واجد اثربخشی است یا خیر؟

۴) به منظور افزایش سطح شفافیت اطلاعات بازار سرمایه چه مکانیزم‌های اثرگذاری می‌توان اتخاذ نمود؟

۲. پیشینه تحقیق

قورچی بیگی (۱۳۹۸)، در بررسی تحلیل کیفی بزهکاری یقه‌سفیدها، فهم زمینه‌ها و انگیزه‌های آنها نشان داد که جرائم یقه سفیدها جرم مردانه بوده که اغلب توسط افراد فاقد سابقه و در دوران میانسالی مرتکب می‌شوند. به علاوه، وجود فرصت، خرده‌فرهنگ شغلی و برخی توجیهات عقلانی در سطح فردی در کنار وجود فشار در محیط اجتماعی و احتمال ضعیف کشف جرایم در سطح کلان، از زمینه‌ها و انگیزه‌های ارتکاب چنین جرائمی است.

نجنفی توانا و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل کیفی جرائم شرکتی در بازار سرمایه»، نشان دادند که دسترسی مرتکبان به اطلاعات نهانی شرکت، فقدان نظارت و کنترل داخلی شرکت‌ها، و وجود فرهنگ جرم از عوامل و مؤلفه‌های زمینه‌ساز در تحقق جرائم شرکت‌ها در این حوزه هستند.

آلیا^۱ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر جرم شرکتی بر روی توسعه بازارهای سرمایه»، به تأثیر مخرب جرائم شرکتی در جلوگیری از بهبود و توسعه بازارهای سرمایه از نظر اقتصادی و اجتماعی اشاره دارند.

رضایی (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان «علل، پیامدها و پیشگیری از تقلب در بازارهای مالی»، اثربخشی فاکتورهایی چون تشدید ضمانت اجراها، اجرای دستورالعمل‌های نظارتی و کنترل داخلی شرکت‌ها در کشف و پیشگیری از تقلب در گزارش‌های مالی شرکت‌ها را نشان دادند.

وی^۲ (۲۰۰۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل علی جرم شرکتی بر پایه داده‌های کتی و کیفی در تایوان»، ناکارآمدی قوانین، فقدان نظام کنترلی نظام‌مند، بی‌تفاوتی جامعه و افکار عمومی در قبال جرائم شرکتی، ساختار شرکت‌ها و کاهش تمایلات خودکنترلی در مدیران را به عنوان مؤلفه‌های

1. Aliya

2. Wei

اثراگذار در تحقق جرائم شرکتی برشمرده‌اند.

نتایج پژوهش کلیف^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، با عنوان «انگیزه‌شناسی از مرتکبان جرایم یقه سفید بر پایه داده‌های کمی و کیفی»، دایر به اتخاذ تدابیر کنشی و واکنشی در مواجهه با مجرمان و مرتکبان مختلف است. از این رو اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مناسب و منطبق با چارچوب‌های سازمانی در قبال این بزهکاران ضروری است.

بررسی پژوهش‌های پیشین، حاکی از ارتباط معنادار بین ناهنجاری‌های شرکت‌ها در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار و کاهش شفافیت بازار از یک سو، و افزایش سطح ریسک و ناکارآمدی بازار و عدم تمایل سرمایه‌گذاران به حضور در این عرصه است.

۳. ادبیات نظری

۳-۱. شفافیت در بازار سرمایه

شفافیت معادل پذیرفته شده برای اصطلاح Transparency است که در مورد ریشه لغوی آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند این واژه از حرف اضافه Trans به معنای «حرکت» و «جنبش» و Parent به مفهوم «قابل مشاهده» ترکیب یافته است (ریچارد، ۲۰۰۴، ص ۳).^۲ فارغ از معنای لغوی و اصطلاحی، برخی شفافیت را افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها برای ارزیابی عملکرد آن‌ها دانسته و شفافیت را ابزاری برای تسهیل فرایند ارزیابی شرکت‌ها تعریف کرده‌اند (فلوری،^۳ ۱۹۹۹)؛ یا شفافیت را به معنی افزایش جریان به موقع و در خوداتکائی اطلاعات اقتصادی - اجتماعی که در دسترس همه ذی‌نفعان باشد، عنوان نموده‌اند (واناث و کافمن،^۴ ۱۹۹۹). اصل شفافیت به عنوان اصلی استوار و غیرقابل ایراد در حقوق کسب‌وکار، با هدف تنظیم بازار و مراودات بازرگانی و تجاری شکل گرفته است. قاعده افشاگری در حقوق کیفری کسب‌وکار نیز از این اصل نشأت می‌گیرد. علاوه بر آن، اصل شفافیت، یک حق است که دو جنبه دارد، داخلی و خارجی. از منظر داخلی ناظر به کلیه حقوقی که برای دسترسی به اطلاعات داخلی یک شرکت وجود دارد، مطرح است. این حق مخصوص افراد داخل شرکت مانند سهامداران، مدیران، هیأت مدیره است و حسن کارکرد و فعالیت آن را تضمین می‌کند. از نظر خارجی اطلاعاتی که از حصار شرکت به بیرون درز می‌کند، حق شفافیت را بر شخص حقیقی و حقوقی که خارج از شرکت باشد، خواهد داشت. چنین

1. Cleff

2. Richard

3. Flori

4. Wanath & Kaufman

حقی در قراردادهای تجاری جلوه می‌کند (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱). بنابراین، در فضای کسب‌وکار فقدان شفافیت، همواره فرصت و زمینه را برای ارتکاب بزه فراهم می‌سازد. از این رو، ارتقاء بازار بورس و اوراق بهادار در گرو شفافیت است. سیاست‌گذار این حوزه در راستای اتخاذ تدابیر موقعیت‌مدار، بورس و ناشران را به رعایت شفافیت در افشای اطلاعات ملزم نموده است. قانون‌گذار از رهگذر شناسایی ماده ۳۱ قانون بورس و ماده ۲ دستورالعمل انتشار اطلاعات توسط بورس‌ها که در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲ به تصویب هیأت مدیره آن سازمان رسیده است، بورس‌ها را مکلف نموده تا اطلاعات را در تارنمای اینترنتی خود منتشر نماید. در همین راستا، سیاست‌گذار جناحی این حوزه، به موجب ماده ۴۵ قانون بورس و بند ۱۸ ماده ۷ و مواد ۴۱ و ۴۲ از آن قانون و بند ۶ ماده ۱ و مواد ۱۲ و ۱۳ از دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات، ناشران را مکلف به افشای اطلاعات و شفافیت در اطلاعات متعهد نموده است.

۴. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و از نوع کیفی و مبتنی بر روش نظریه داده‌بنیاد است. نظریه داده‌بنیاد، یک روش پژوهش کیفی بوده که برای ایجاد چارچوب‌ها و نظریه‌های مفهومی، بر تحلیل استقرایی از داده‌ها متمرکز است (چارمز^۱، ۲۰۱۴).

این پژوهش از نظر روش اجرا، اکتشافی مبتنی بر رویکرد استقرایی است. جامعه آماری پژوهش، اسناد و پرونده‌های قضایی مطروحه در محاکم کیفری تهران بودند. از منظر زمانی پرونده‌های قضایی مربوط به سنوات ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده و تا حد اشباع نظری انجام شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات، ۱۰ پرونده از پرونده‌های مربوط به جرایم شرکت‌ها در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار مورد ارزیابی قرار گرفت.

پس از ارزیابی، اسناد قضایی بلافاصله پیاده‌سازی شده، سپس داده‌ها وارد نرم‌افزار مکس کیودا شدند و در سه مرحله کدگذاری گردیدند. در کدگذاری باز، از روش تحلیل سطر به سطر استفاده شد و پس از خواندن عمیق پرونده‌ها، مفاهیم شکل گرفت و نامگذاری شد (منصوریان، ۱۳۹۰). در مرحله بعد، مفاهیم مقوله‌بندی شده و مقوله‌های اصلی و فرعی مشخص شدند. در ادامه و بر مبنای الگوی استراوس و کوربین^۲ (۲۰۱۵) برای طراحی مدل پارادایمی، شرایط علی، زمینه‌ای مداخله‌گر و راهبردهای مرتبط با مستندسازی مشخص شدند.

1. Maxqda

2. Strauss & Corbin

برای اطمینان از قابلیت اعتماد به یافته‌ها نیز از فن ممیزی^۱ (سیلورمن، ۲۰۰۵) استفاده شد. بر این اساس، علاوه بر پژوهشگر، سه متخصص دیگر بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند. بدین ترتیب می‌توان از اعتبار کدگذاری و یافته‌ها اطمینان حاصل کرد.

جدول ۱- اعتباریابی یافته‌ها با روش کثرت‌گرایی

روش	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون
پرونده‌ها	۶۵	۳۳	۳۲	٪۸۱
روش انجام کار	۵۱	۳۰	۱۸	٪۸۷
بین ارزیابان	۴۸	۲۷	۲۰	٪۷۵

در قالب کدگذاری مفاهیم و مقوله‌ها، پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، به مدد نظریه داده‌بنیاد، علل ناهنجاری‌های بازار سرمایه بدست آمد. در بخش کدگذاری از روش استراوس و کوربین استفاده شده که رویکردی نظام‌مند را پیشنهاد می‌کنند. مهم‌ترین بخش کار در تحلیل داده‌های پژوهش، کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) می‌باشد که به روش‌های زیر انجام شد.

۴-۱. کدگذاری

نخستین جزء در پژوهش کیفی، داده‌ها هستند که در این پژوهش از طریق بررسی اسناد مربوط به اظهارات و دفاعیات متهمین بدست آمدند. جزء دوم گام‌هایی هستند که برای تفسیر و سازمان دادن به داده‌ها استفاده می‌شوند. این گام‌ها شامل مفهوم‌سازی، فروکاهی، تعیین مقوله‌ها با استفاده از ویژگی‌ها و ابعاد و در پایان ربط‌دهی یا نسبت دهی مقوله‌ها هستند. این عمل با استفاده از کدگذاری انجام می‌شود. بنابراین، تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از بررسی اسناد در زمینه موضوع مورد مطالعه و مفاهیم استخراج شده براساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی می‌باشد. از این‌رو، اسناد قضایی مربوط به مرتکبان جرائم شرکتی در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار پس از مفهوم‌سازی، به کدگذاری باز، محوری و انتخابی کدگذاری شدند.

۴-۱-۱. کدگذاری باز

در این مرحله مفاهیم درون پرونده‌های مربوط به مرتکبان جرایم براساس ارتباط با موضوع علل ارتکاب جرم در بازار سرمایه بررسی شده است. در نتیجه با اطلاعات بدست آمده از اسناد موجود، نکات و مضامین کلیدی کدگذاری شده‌اند. در این مرحله نمونه‌گیری به حدی انجام شد که مفاهیم

در موقعیت باز کشف شوند. سپس مفاهیم براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی شدند. بنابراین، پرونده‌ها براساس مقوله‌های اصلی استخراج شده و مقوله‌های فرعی بعدی مورد بررسی دقیق قرار گرفتند. این روند و بکارگیری مجموعه داده‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت. هر پرونده مشتمل بر اظهارات و دفاعیات، جمله‌به‌جمله برای استخراج نکات کلیدی و کدگذاری باز مرور شده است. هر نکته مهم با یک کد باز مشخص شده و با بکارگیری روش مقایسه ثابت، کدهای جدید اختصاص داده شده است. همچنین، کدها با کدهای باز در نسخه‌های قبلی و مشابه مقایسه شده‌اند. این روش جهت بررسی این مسأله که آیا کد جدید قبلاً ایجاد شده یا خیر؟ مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۱-۲. کدگذاری محوری

در این مرحله کدهای باز ایجاد شده در گام قبل بسط و گسترش یافته‌اند. به عبارت دیگر، با توجه به پاسخ و اظهارات مرتکبان، کدگذاری محوری و مقوله‌بندی پاسخ آنان انجام شد. این مفاهیم ویژگی‌های متمایز در پاسخ‌ها بوده که نشان‌دهنده اطلاعات مهم در رابطه با سوال پژوهش بوده و با این روش بین کدهای تولید شده در کدگذاری باز ارتباط برقرار گردید.

در این گام به تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها تمرکز شده، و کدهای باز در قالب مضامین اصلی مرتب شده و همه داده‌های کدگذاشته مرتبط با هر یک از کدهای محوری، شناسایی شدند. در این مرحله، کدهای باز تجزیه و تحلیل شده و با ترکیب و تلفیق آنها، کدهای محوری شکل گرفتند. کدهای مرتبط با هر کد محوری برای نمونه «عضویت در هیأت مدیره، عضویت در کمیته حسابرسی داخلی، حساب‌رسان مستقل، دسترسی به اطلاعات نهانی شرکت، امکان دسترسی به حساب‌ها» تحت یک کد محوری قرار گرفتند.

۴-۱-۳. کدگذاری انتخابی

این مرحله به نظریه‌پردازی موصوف است، بدین معنا که، پس از ارتباط مقوله محوری به نحو نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها، فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام شد. بدین ترتیب، با ایجاد هماهنگی بین مقوله‌ها، آنها برای ارائه یک نظریه تنظیم گردیدند که این مهم بواسطه کشف مقوله مرکزی امکان‌پذیر شد.

۵. یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها، مرحله دوم در انجام اقدامات پردازش‌گرانه (تحلیل محتوای کیفی)، سازمان دادن و تفسیر این داده‌ها می‌باشد، که این گام‌ها عبارتند از: مفهوم‌سازی، تعیین مقوله‌ها و سپس ایجاد ارتباط و نسبت‌دهی مقوله‌ها با مفاهیم است، که این اقدام از رهگذر کدگذاری صورت

می‌پذیرد. بر این اساس، تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور بررسی صحت و سقم فرضیه‌ها برای هر نوع پژوهش، از اهمیت خاصی برخوردار است. در بیشتر تحقیقاتی که متکی بر داده‌های جمع‌آوری شده از موضوع مورد پژوهش است، تجزیه و تحلیل داده‌ها از اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخش‌های پژوهش محسوب می‌شوند. داده‌های خام با استفاده از روش کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پس از پردازش، به شکل اطلاعات و دانش در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، تحلیل داده‌های کیفی تلاشی است در راه ابراز یک نظر کلی درباره روابط بین طبقه‌هایی از داده‌ها که بنای یک تئوری را پایه‌ریزی می‌کند (هومن، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷).

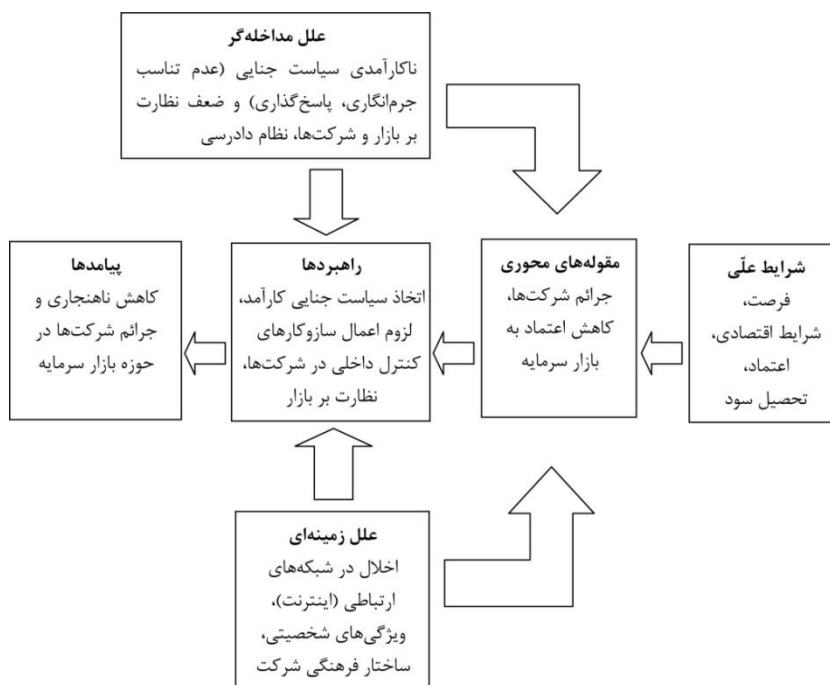
جدول ۲- مفهوم‌سازی و کدگذاری یافته‌های حاصل از ارزیابی اسناد قضایی
با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	
فرصت	- عضویت در هیأت مدیره - عضویت در کمیته حسابرسی - حسابرس داخلی - حسابرس مستقل شرکت - دسترسی به اطلاعات و حساب‌های شرکت	۱ هدم از بیان دسترسی به اطلاعات نهانی شرکت، فعالیت غیرقانونی نبود.	
		۲ صرفاً شرایط انجام معامله را گفتیم، تبانی نداشتیم.	
		۳ با وجود استفاده از اطلاعات نهانی شرکت و انجام معامله، ضرری متوجه سهامداران شرکت نشده است.	
		۴ مدیرعامل بودم، اما گزارش حسابرس را ملاحظه نکرده بودم.	
		۵ به تصویب هیأت مدیره و در راستای اهداف شرکت معامله انجام دادیم.	
		۶ عضو هیأت مدیره بودم، اما به اطلاعات نهانی شرکت دسترسی نداشتیم.	
		۷ از اطلاعات نهانی شرکت استفاده نکردم، قبلاً شرکت این اطلاعات را منتشر کرده بود.	
		۸ انجام معاملات در مدت زمان کوتاه بود، از اطلاعات نهانی شرکت استفاده نکردم.	
		۹ هنگام قرارداد فروش سهام، عضو غیرموظف هیأت مدیره بودم.	
		۱۰ فروش سهام با مجوز هیأت مدیره بود.	
اعتماد	اعتماد سرمایه‌گذار به بازار اعتماد ناشر به کارگزار و واسطه‌های مالی اعتماد به مدیریت شرکت	۱۱ خروج وجوه سپرده مشتریان به شرکت، وابسته به کارگزاری به درخواست مدیرعامل بود.	
		۱۲ به مدیر شرکت اعتماد داشتیم.	
		۱۳ واریز وجوه سپرده مشتریان به حساب شرکت‌های وابسته کارگزاری به منظور تصاحب نبوده است.	
		۱۴ به درخواست مدیرعامل، به انجام معامله اقدام کردیم.	

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۱۵	توجیه	درصد تأمین منافع سهامداران بودیم.
۱۶		منظور سودرسانی به شرکت بود.
۱۷		با وضعیت نزولی بازار بسیار ضرر کردیم.
۱۸		منتظر تصویب دستورالعمل و آیین نامه اجرایی از سوی سازمان بورس بودیم.
۱۹		با هدف حفظ منافع شرکت، اقدام به انجام معامله کردیم.
۲۰	رقابت غیرقانونی	عدم افشای برخی معاملات شرکت، به لحاظ زیان انباشته بود.
۲۱		انتشار پیام های تبلیغاتی و ترسیم سود دهی و سیگنال دهی را با هدف سودده بودن شرکت منتشر کردیم.
۲۲		عدم افشای اطلاعات به منظور جلوگیری از زیان ده نبودن شرکت بود.
۲۳		تأثیر در افشای اطلاعات، به منظور پنهان داشتن وضعیت شرکت نبود.
۲۴	اقتصادی	شرکت مشکلات مالی داشت.
۲۵		بنا بود پس از اخذ تسهیلات، اطلاعات شرکت را به بورس اعلام کنیم.
۲۶		تأخیر در افشای اطلاعات، با هدف اخذ تسهیلات بود.
۲۷		وقفه در بازپرداخت تسهیلات به علت وضعیت مالی شرکت بود.
۲۸	تحصیل سود	مطلع نبودم که نیاز به اخذ مجوز است.
۲۹		راه اندازی کانال تلگرامی در فضای مجازی نیاز به مجوز بورس ندارد.
۳۰		فعالیت به معنای مشاوره سرمایه گذاری نداشتم، تا لازم باشد از بورس مجوز بگیرم.
۳۱		فعالیت در انجام معاملات برخط و راه اندازی کانال تلگرامی بود و تحت نظارت شرکت کارگزاری قرار داشت که نیاز به مجوز ندارد.
۳۲		به دنبال اخلاص در روند معاملات نبودیم.
۳۳		قصد برهم زدن و ایجاد گمراهی در بازار را نداشتم.
۳۴		اقدام به تحریک سرمایه گذاران و اغوای آنها نکردیم.
۳۵		قصد اغوای بازار را نداشتم.
۳۶		با انجام معاملات پی درپی درصدد تحریک بازار بودم، تا سهام را بفروشم.
۳۷		هر وقت سهم خوب بینم که پتانسیل رشد داشته باشد، فوراً برای خرید معرفی می کنم.
۳۸		کل صف فروش را خود بازار خرید.
۳۹		بر مبنای قیمت بازار اقدام کردیم.
۴۰	فرار مالیاتی شرکت ها	از دو دفتر به برای یادداشت هزینه های داخلی شرکت و گزارشگری مالی استفاده نمی شود.
۴۱		گزارش در غیردفا تر شرکت به منظور استفاده داخلی و برای مدیریت شرکت است.
۴۲		منظور نکردن ذخیره بابت مالیات در صورت های مالی و گزارش حسابر س، از موارد عدم افشای اطلاعات نیست.

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	
سازوکارهای کنترلی	سیاست جنایی ناکارآمد (ضعف) جرم‌انگاری، پاسخ‌گذاری و نظارت بر بازار و شرکت‌ها	۴۳	اطلاعات افشایی از اطلاعات مهم نبود.
		۴۴	اطلاعات افشایی در بازار اثر مثبت یا منفی نداشت.
		۴۵	اطلاعات افشایی موجب ضرر سرمایه‌گذاران و اغوای بازار نبود.
		۴۶	قیمت چینی بر مبنای بازار بود.
		۴۷	قیمت اعلامی کاذب نبود، بلکه بر مبنای نوسان قیمت سهام بود.
		۴۸	اتخاذ روش بهای تمام شده کالا و محصول تولیدی برای شرکت وابسته (اقماری)، به جای روش ارزش افزوده، به معنای گزارش خلاف واقع نیست.
		۴۹	قصد اخلاف در بازار را نداشتیم و دنبال انجام معاملات خود بودیم.
		۵۰	مطابق مقررات بورس معامله کردیم، اقدامات تأثیری در قیمت‌های بازار نداشت.
		۵۱	حسابرس شرکت در اعلام گزارش تأخیر داشت.
		۵۲	سفارش چینی دوطرفه در قیمت‌های بالاتر از قیمت بازار بود.
		۵۳	شرکت، حسابرس داخلی نداشت.
		۵۴	مطابق اساسنامه موظف به برگزاری مجمع بودیم.
		۵۵	شناسایی درآمد از سوی شرکت در صورت‌های مالی، مطابق استانداردهای حسابداری بوده است.
		۵۶	افشای اطلاعات دیر هنگام بوده است.
		۵۷	از افشای اطلاعات خودداری نکردیم، با تأخیر بود.
		۵۸	تأخیر در افشای اطلاعات شرکت به علت برگزاری دیر هنگام مجمع شرکت بود.
		۵۹	هیأت مدیره نظر به تأخیر در افشای اطلاعات داشت.
		۶۰	تنظیم گزارش از صورت‌های مالی و گزارش‌دهی مطابق اصول حسابداری، از تکالیف حسابرسی است.
		۶۱	احراز صحت اطلاعات با بورس نیست، با حسابرس است.
		۶۲	تطبیق حساب‌ها از وظایف حسابرس است.
		۶۳	تصدیق صورت‌های مالی با اسناد ارائه شده، با حسابرس است.
		۶۴	تطبیق گزارشات و صورت‌های مالی با حسابرس است نه هیأت مدیره
نظام دادرسی	ناکارآمدی نظام کشف، فقدان آیین دادرسی اختصاصی، عدم پیش‌بینی محاکم اختصاصی، فقدان قضات متخصص، نگرانی بزه‌دیدگان از احقاق حق	۶۵	نظر هیأت داورى بورس به شکایت در دادگاه بود.
		۶۶	مدتی است پیگیر ادعای خسارت هستیم.

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
۶۷	روان شناسی	شخصیتی
۶۸	رفتاری مدیران	
۶۹	تقلید	
۷۰	فرهنگ شرکتی	ناهنجاری سازمانی
۷۱		
۷۲		
۷۳		



شکل ۳- مدل پارادایمی جرائم شرکت ها در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار

۵-۱. شرایط علی

کدهای شناسایی شده در رابطه با شرایط علی در قالب ۴ مقوله اصلی و ۳۱ مقوله فرعی دسته بندی شدند. با توجه به اینکه جرائم شرکت ها در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار به واسطه وجود فرصت و موقعیت حادث می شوند، شناسایی موقعیت ها و فرصت های پیش جنایی در خنثی سازی و رفع عوامل جرمزا حائز اهمیت است و این مهم سبب می گردد تا از به فعلیت درآمدن اندیشه های

مجرمانه ممانعت به عمل آید. افزون بر آن، شرایط اقتصادی از نقطه نظر وجود فقر، تورم، تبعیض، رانت و رکود اقتصادی و الگوی اقتصادی حاکم بر جامعه در ظهور و بروز جرائم شرکت‌ها در این حوزه اثرگذارند. بنابراین، با کاهش فرصت‌های مجرمانه، از رهگذر اتخاذ تدابیر نظارت‌مدار در افزایش شفافیت اطلاعات ناشران، و نیز با اتخاذ رویکردهایی در جهت رفع موانع در فضای کسب و کار، جلب حمایت دولت به بازار، کاهش تصدی‌گری دولت، حذف برنامه‌های دستوری در اقتصاد، بهره‌مندی از الگوهای نظام اقتصادی رقابتی در کاهش ریسک، افزایش شفافیت، کارآمدی و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران به حضور در این عرصه و همچنین جذب نقدینگی و هدایت آنها به سمت بنگاه‌های مولد اقتصادی در عمق‌بخشی به بازار و رشد و توسعه اقتصادی و افزایش سطح رفاه اجتماعی جامعه گام برداشت. حمایت از فعالان و کنش‌گران بازار سرمایه و ترغیب و تشویق شرکت‌ها به رعایت الگوهای حاکمیت فرهنگ و تبعیت از قانون به جای فرهنگ نقض هنجارها و ارزش‌های این حوزه، از دیگر علل کاهش نرخ ناهنجاری شرکت‌ها در این عرصه است، که در فرض حصول، به کاهش شمار ناهنجاری در این حوزه، می‌توان امید داشت.

۵-۱-۱. علل مداخله‌گر

کدهای شناسایی شده در ارتباط با علل مداخله‌گر در قالب ۳ مقوله اصلی و ۲۵ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. با توجه به ضعف و ناتوانی ضمانت اجراهای سزاگرا و سرکوبگر در مهار پدیده جرم و ناهنجاری در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار، بهره‌مندی از سازوکارهای کنشی و کاهنده با هدف پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری در این حوزه ضروری است. از این‌رو، لزوم علت‌شناسی جرائم شرکت‌ها، و ارتقای نظام کشف، اتخاذ سیاست جنایی افتراقی ناظر به جرم‌انگاری مناسب، تعیین مجازات‌های متناسب کارآمد (نه صرفاً افزایش ضمانت اجراهای کیفری)، تصویب آئین دادرسی اختصاصی، پیش‌بینی محاکم اختصاصی، تربیت قضات مجرب و آشنا با این حوزه در مهار پدیده بزهکاری و کاهش شمار ناهنجاری‌ها در این بازار اثرگذارند.

۵-۱-۲. علل زمینه‌ای

کدهای شناسایی شده در ارتباط با علل زمینه‌ای در قالب ۳ مقوله اصلی و ۶ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند:

تدابیر کنشی فردمدار از رهگذر اتخاذ برنامه‌های آموزش محور و آگاهی‌بخش، و با بهره‌مندی از ظرفیت‌های مراکزی چون جهاد دانشگاهی و فنی و حرفه‌ای، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ساخت و پخش برنامه‌های آموزشی به کمک رسانه‌های دیداری و شنیداری، استفاده از دستاوردهای مراکز تحقیقاتی، علمی و دانشگاهی، چاپ کتاب‌های آموزشی رایگان.

پیش‌بینی دروس آشنایی با بازار سرمایه در مدارس، در افزایش سطح سواد مالی و ترویج اصول سهامداری در خانواده‌ها و پیشگیری از بزه دیده شدن افراد در بازار سرمایه دارای اهمیت است. همچنین تصویب کدهای اخلاقی و رفتاری برای کارکنان شرکت‌ها و بورس‌ها و نهادهای واسطه در توانمند ساختن کارکنان جهت انطباق خود با هنجارها، باورمندی به اشتراکات، کنترل آنان در برابر تحریکات درونی و اجتناب از ارتکاب جرم اثرگذار است.

شناخت روان‌شناسی رفتار مدیران و زوایای تاریک شخصیت آنان به عنوان یک الگوی کاهنده اثرگذار در پیشگیری و کاهش گزارشگری‌های متقلبانه شرکت‌ها نقش آفرین خواهد بود. پایش و نظارت هوشمند بر شبکه‌های ارتباطی، فضای مجازی، کانال‌های تلگرامی، پیشگیری از اخلال در سامانه‌های ارتباطی انجام معاملات و نظارت مستمر بر بازار و نحوه انجام معاملات در بازار، در کاهش نرخ ناهنجاری‌ها در این بازار تاثیرگذار است.

۵-۲. راهبردها

طراحی و استقرار سامانه‌های کنترل داخلی در بنگاه‌های اقتصادی از کارآمدترین ابزارها در کاهش تقلب و سوء استفاده‌های مالی و ارتقای شفافیت مالی در واحدهای اقتصادی به‌شمار می‌رود.

۵-۲-۱. کنترل داخلی

واحدهای اقتصادی برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت و تحقق مأموریت‌ها و چشم‌اندازها، حفظ توان مالی و سودآوری، مقابله با رویدادهای غیرمنتظره و پاسخ‌گویی در برابر صاحبان سرمایه، باید از یک سیستم کنترل داخلی اثربخش برخوردار باشند. از این‌رو سیستم کنترل داخلی اثربخش علاوه بر حفظ منابع واحد تجاری، منجر به گزارشگری مطلوب در سطح واحد تجاری می‌شود (حاجیه‌ها و محمدحسین نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). کنترل داخلی به عنوان بخش مهمی از اراده یک سازمان بوده که شامل طرح‌ها و روش‌هایی است که به عنوان عامل مهمی در حفاظت از دارایی‌ها، پیشگیری، کشف خطاها و تقلب به کار می‌رود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). بنابراین، مدیران به خوبی می‌دانند در نبود یک سیستم کنترل داخلی اثربخش، تحقق رسالت اصلی شرکت، حفظ سودآوری و به حداقل رساندن رویدادهای غیرمنتظره بسیار مشکل است (ارجمندنژاد، ۱۳۸۵، ص ۴). از مهم‌ترین و جامع‌ترین الگوهای موجود برای کنترل داخلی، می‌توان به الگوی مطرح شده از سوی کمیته سازمان‌های مسئول کمیته تردوی تحت عنوان کوزو ۲ در سال ۱۹۹۴ اشاره کرد. این کمیته، کنترل داخلی را فرایندی می‌داند که توسط مدیریت، هیأت مدیره و کارکنان انجام می‌شود و هدف آن کسب اطمینان معقول از دستیابی به اهداف و قابلیت اتکای گزارشگری مالی و

پیروی از قوانین است (ری، سندز و سوبرمانیام^۱، ۲۰۱۷). در کشور ما نیز به تازگی سازمان بورس و بازار اوراق بهادار در راستای ماده ۲۵ و ۳۵ دستورالعمل پذیرش بورس اوراق بهادار تهران، اقدام به انتشار دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کرده است. این دستورالعمل در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و نیز ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار، طبق بندهای ۸، ۱۱ و ۱۸ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۴ و با هدف اجرای مواد ۲۵ و ۳۵ دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران (اصلاحیه مصوب ۱۳۹۰/۵/۱۵)، در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۶ در ۸ ماده و ۲ تبصره به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید.

۵-۲-۲. تعیین حسابرس داخلی

به موجب ماده ۸ دستورالعمل حاکمیت شرکتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، مصوب سال ۱۳۹۷، هیأت مدیره شرکت باید واحد حسابرسی داخلی را مطابق با ضوابط و مقررات سازمان تشکیل داده و بر آن نظارت کند. از این رو، به موجب بند یک ماده ۱۳ دستورالعمل یاد شده، انتخاب مدیر حسابرسی داخلی و نظارت بر عملکرد آن از جمله وظایف هیأت مدیره تعیین شده است. به علاوه، به دلالت ماده ۶ منشور فعالیت حسابرسی داخلی شرکت‌ها، اهم وظایف حسابرس داخلی عبارت است از تدوین برنامه سالانه حسابرسی داخلی متناسب با نظام راهبری و مدیریت ریسک و اجرای آن، ارائه خدمات مشاوره‌ای به مدیریت شرکت، همکاری با حسابرسان مستقل، همکاری در رسیدگی به فعالیتهای مشکوک ارزیابی سیستم کنترل داخلی، حفظ نیروی انسانی مورد نیاز، اطلاع‌رسانی و ارائه گزارش‌های دوره‌ای و موردی به هیأت مدیره و کمیته حسابرسی، فرهنگ‌سازی بین کارکنان در خصوص افزایش ارزش حسابرس داخلی. حسابرس داخلی به موجب ماده ۴ منشور یاد شده مسئول حفاظت از اسناد، مدارک، اطلاعات و اسرار شرکت و شرکتهای فرعی که بنا به موقعیت بدان دسترسی پیدا می‌کند، خواهد بود. از نقطه نظر جایگاه حسابرس داخلی و محدودیت شرح وظایف، به موجب ماده ۵ منشور فعالیت حسابرسی داخلی شرکت‌ها، مدیر و کارکنان حسابرسی داخلی از پذیرش وظایف اجرایی در شرکت و حسابرسی فعالیت‌هایی از شرکت که خود مسئول اجرایی آن بوده‌اند و دخالت در امور اجرایی شرکت و هدایت فعالیت کارکنان شرکت ممنوع شده‌اند. با وجود این، در شرکتهای تجاری که اطلاعات

http://stim.gom.ac.ir

منحصربه‌فرد بیشتری وجود دارد، شکاف اطلاعاتی بین حسابرسی و مدیریت افزایش می‌یابد که می‌تواند کیفیت حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد که از این حیث حسابرِس داخلی به عنوان یکی از مکانیزم‌های نظام راهبری از یک طرف می‌تواند منجر به کاهش تضاد بین حسابرِس مستقل و شرکت شود، و از طرف دیگر می‌تواند منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی گردد (خردیار و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۰۱). بنابراین، هرچه واحد حسابداری داخلی، نظارت مؤثرتری بر فعالیت سازمان داشته باشد، معرف کارآ و اثربخش بودن نقش این واحد در سازمان و شرکت مربوطه است. از این‌رو، حسابرسان داخلی به واسطه ویژگی‌های منحصربه‌فردی مانند دانش عمیق سازمانی، مهارت‌های حسابرسی و بی‌طرفی، یک منبع ارزشمند برای مدیریت و کمیته حسابرسی محسوب می‌گردند (دسای و همکاران، ۲۰۰۷). به هر جهت، وظیفه حسابرسان داخلی مساعدت به هیأت مدیره و کمیته حسابرسی، جهت دستیابی به اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مربوط به اصول راهبری شرکتی در سازمان‌ها و شرکت‌ها است. به‌علاوه، حسابرسان داخلی با ارزیابی کنترل‌های داخلی، از دستیابی به اهداف گزارشگری مالی و اهداف عملیاتی رعایت اصول راهبری اطمینان حاصل می‌نمایند و از این حیث، حسابرِس داخلی فاکتور مهمی جهت کمک و مساعدت به اجرای اصول راهبری شرکتی در مواجهه با متغیرهای اثرگذار محیطی و دیگر چالش‌های درون‌سازمانی در شرکت‌ها است.

۵-۲-۳. تشکیل کمیته حسابرسی

به دنبال افزایش شمار شرکت‌های سهامی و توسعه و رونق بازارهای سرمایه، این امر سبب گردید تا با بهره‌مندی از خدمات افرادی که با رسیدگی به مدارک، اسناد و حساب‌های شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، هرگونه تقلب و سوءاستفاده را کشف و نسبت به صورت‌های مالی تهیه شده توسط مؤسسات یاد شده، بی‌طرفانه اظهارنظر نمایند به‌علاوه، به لحاظ اختیارات مدیران، تخصص افرادی احساس می‌شد، تا قابلیت اعتماد در روند گزارشگری مالی را نظارت کنند. از این‌رو، کمیته‌های حسابرسی، متشکل از اعضای غیرموظف هیأت مدیره ایجاد شدند و توانستند نقش بسیار مهمی در نظارت بر مسئولیت گزارشگری مالی، مدیریت و حسابرسی مستقل صورت‌های مالی را برعهده گیرند (کارسولو و نیل^۱، ۲۰۰۰، ص ۴۵۳). بر این اساس، کمیته حسابرسی نقش فعالی در پیشگیری و کشف تقلب برعهده دارد و به این منظور لازم است از وجود برنامه‌های ضد تقلب رعایت قوانین و مقررات و فرهنگ‌سازی مؤثر برای مقابله با تقلب در شرکت اطمینان حاصل کند. کمیته حسابرسی

باید همواره مدیریت را به منظور اطمینان از وجود کنترل‌های مناسب برای شناسایی تقلب‌های بالقوه و انجام تحقیق و بررسی لازم در صورت بروز تقلب به چالش کشیده و درنهایت از برخورد مرتکبین تقلب اطمینان پیدا کنند (حاجیان، ۱۳۹۲، ص ۵۸). بنابراین، این کمیته وظیفه نظارت بر فرایند تهیه گزارش‌های مالی را برعهده دارد. بررسی گزارش‌های دوره‌ای، بررسی کفایت نظارت‌های داخلی مربوط به گزارشگری مالی، ارزیابی عملکرد حسابرسان مستقل، نظارت بر انطباق فعالیت‌های واحد تجاری، با الزامات قانونی و شناسایی ریسک‌های موجود در برنامه‌های مورد نظر مدیریت از سایر وظایف این کمیته است (سلیمانی و مقدس نیکجه، ۱۳۹۳، ص ۶۷). به طور کلی، کمیته حسابرسی از یک سو تکلیف گزارشگری هیأت مدیره شرکت را تقویت و از سوی دیگر ارتباط بین حسابرسی مستقل و مدیریت شرکت را بهبود می‌بخشد.

۵-۳. آثار راهبردهای نظارتی درون‌سازمانی

۵-۳-۱. کاهش تقلب

در گزارشگری مالی تقلب به اقدامات نامناسبی اطلاق می‌شود که به اظهارنظر نادرست، اما با اهمیت در صورت‌های مالی منجر شود (دل آشوب، ۱۳۹۵). تقلب در واحدهای تجاری از طریق تعرض به منابع و یا از طریق تحریف صورت‌های مالی انجام پذیرد که موجب افزایش هزینه‌ها و کاهش اعتبار حرفه حسابرسی می‌شود (پیوندی، ۱۳۹۳، ص ۲۹). از این‌رو، تقلب در صورت‌های مالی منجر به ایجاد تردیدهای جدی درباره کارایی حسابرسی صورت‌های مالی می‌شود (ولز، ۲۰۱۷^۱، ص ۳۲۹). بر این اساس، نگاهی گذرا به شکل‌گیری پرونده‌های قضایی مرتبط با فساد مالی نشان می‌دهد که افشای تقلب همواره پس از گذشت مدت قابل ملاحظه‌ای از تاریخ ارتکاب تقلب و اغلب از طریق گزارش‌های سازمان‌های اطلاعاتی و نظارتی- کارکنان و مدیران مطلع و رسانه‌ها صورت می‌گیرد و تنها درصد معدودی توسط حسابرسان مستقل و کارشناسان رسمی افشاء شده است (دیویدسون و ویکنز، ۲۰۰۱^۲، ص ۶۲). از این‌رو، در صورت‌های مالی گمراه‌کننده‌ای که مدیران برخی شرکت‌ها در این سال‌ها ارائه داده‌اند، با تقلبات مالی پنهان شده در آنها، چهره واقعیت در افشای وضعیت شرکت‌ها برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی مخدوش شده و اطلاعات مذکور موجب وارد آمدن آسیب به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان شده است (حکمت، ۱۳۹۲، ص ۸۶). از طرفی نیز تقلب در شرکت‌ها منجر به ایجاد هزینه‌های گزاف برای شرکت‌ها و نیز برای کل جامعه شده است؛

1. Wells

2. Davidson & Wilkins

هزینه‌هایی که مادی و بعضاً معنوی هستند و چه‌بسا در کوتاه مدت غیر قابل جبران باشند. این تقلب‌ها به ویژه هنگامی که مدیران و کارکنان ارشد شرکت‌ها مرتکب آن می‌شوند، معمولاً زمانی از پرده برون می‌افتند که شرکت‌ها به طور غیرمنتظره دچار مشکلات حاد می‌شوند (مهربان‌پور و نوری‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۴۵). بنابراین، جلوگیری، کشف و تجسس تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌ها، امروزه بیش از هر زمان دیگری به دغدغه جدی حسابداران رسمی دنیا بدل شده است (دیویدسون و ویکنز، ۲۰۰۱، ص ۸۴). به هر جهت، نگرش سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به نظام رهبری شرکتی، یک اقدام پیشگیرانه برای حمایت از حقوق سهامداران به خصوص سهامداران خرد است. از طرفی نیز نظارت درون‌سازمانی در شرکت‌ها و از رهگذر برقراری سامانه‌های حسابداری مستقل، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی نقش جدی در پیشگیری و کشف تقلب در شرکت‌ها دارد. این نهاد به واسطه نظارت جدی بر عملیات مالی و شناسایی ریسک‌ها در شرکت‌ها از یک سو و ارتقاء بهبود کیفیت گزارشگری از حیث شفافیت و به‌هنگام بودن گزارش‌ها از سوی دیگر، نقش اساسی در پیشگیری از تقلب و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شرکت‌ها در این حوزه خواهند داشت.

۵-۳-۲. ارتقای شفافیت

در اولین نگاه، امنیت و پاک‌سازی قلمرو اقتصادی، از کارکردهای بنیادین اصل شفافیت به‌شمار می‌رود. شفافیت در حقوق کسب‌وکار تنها يك اصل نیست، بلکه يك حق است. قاعده افشاء‌گری در حقوق کیفری کسب‌وکار نیز از این اصل نشأت می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰). از این رو، از اوصاف بازارهای کار، شفافیت است. اصل شفافیت صرف‌نظر از اینکه موجبات جلب اعتماد سرمایه‌گذاران جهت ورود به بازار را سبب می‌شود، به‌علاوه، در بازار، پایداری اقتصادی را نیز پشتیبانی می‌کند. در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار، کیفیت افشاء میزان اطلاعاتی که از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و یا شرکت‌ها در متن صورت‌های مالی یا در یادداشت‌های همراه آن که بر تصمیم سرمایه‌گذاران اثرگذار است را شامل می‌شود (همت‌فر و مقدسی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳). از این رو، سازمان بورس و اوراق بهادار برای کاهش شکاف بین تولید و انتشار عمومی اطلاعات، امتیاز اطلاع‌رسانی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را براساس وضعیت اطلاع‌رسانی آنها از نظر قابلیت ارتقاء و به‌موقع بودن ارسال اطلاعات محاسبه نموده است (حاجیها و مرادیان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶). بر این اساس، ازجمله ابزارهایی که قادر به افزایش سطح شفافیت اطلاعات شرکت‌ها در بازار است، برقراری نهادهای حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی است. به‌علاوه، با افزایش سطح شفافیت افشای گزارش‌های مالی شرکت‌ها، این امر، در کاهش تقلبات در شرکت‌ها اثرگذار است، در واقع کاهش شفافیت در گزارشگری، ملازمه با افزایش ناهنجاری‌ها در شرکت‌ها دارد.

۶. نتیجه‌گیری

بازار بورس و اوراق بهادار از اصلی‌ترین فعالیت‌های عرصه اقتصادی کشور بوده که نظم و امنیت در این حوزه از اهمیت شایانی برخوردار است. وقوع رفتارهای ناقض ارزش‌ها و ناهنجاری‌های حاکم بر این بازار چالش‌های زیادی به دنبال خواهد داشت. از این‌رو، اتخاذ هرگونه تدابیر کنشی در مقام تعیین مجازات مناسب و اقدامات پیشگیرانه، مستلزم علت‌شناسی از جرائم و ناهنجاری‌های این حوزه است. به همین منظور پژوهش حاضر کوشید براساس اسناد و پرونده‌های قضایی و با رویکرد کیفی، به علت‌شناسی مؤلفه‌های زمینه‌ساز ظهور و شکل‌گیری جرم و ناهنجاری، انگیزه مرتکبان و ناقضان بپردازد. یافته‌های پژوهش در مقایسه با دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، ضمن تأیید نتایج تحقیقات پیشین، ناظر به تأثیر فزاینده جرائم شرکت‌ها در جلوگیری از شفافیت و توسعه بازارهای سرمایه است. از این‌رو، لزوم اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه در افزایش سطح شفافیت اطلاعات و کاهش ریسک بازار سرمایه اثرگذار است.

در پاسخ به سوال اصلی پژوهش، یافته‌ها علت ظهور جرائم شرکت‌ها را از رهگذر علل فردی، محیطی و موقعیت‌مدار می‌دانند. از این‌رو، شناسایی هر یک از مؤلفه‌های یادشده از ضرورت‌های بنیادین مقوله علت‌شناسی جرائم شرکت‌ها در این حوزه است. در پاسخ به سوال دوم پژوهش، از منظر فهم انگیزه مرتکبان ارتکاب جرم در حوزه بورس و بازار اوراق بهادار، یافته‌های پژوهش نوعاً به کسب سود و منفعت مرتکبان از ارتکاب جرم اشاره دارد. در پاسخ به سوال سوم پژوهش دائر بر کارآمدی سیاست جنایی حوزه بورس در مواجهه با ناهنجاری‌های این حوزه، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست جنایی بازار سرمایه نه در زمره سیاست جنایی سخت‌گیرانه است و نه در گروه سیاست جنایی حداقلی و کمینه‌گرا؛ به عبارتی، این بازار واجد سیاست کیفری بی‌معیار و سرگردان است. از این‌رو، اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در این حوزه ضروری بوده و لزوم جرم‌انگاری متناسب و سپس پاسخ‌گذاری‌های کارآمد در مواجهه با جرائم و ناهنجاری‌های این حوزه است. در پاسخ به سوال چهارم پژوهش، نظارت درون‌سازمانی از نقطه‌نظر کنترل داخلی شرکت‌ها، تعیین حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی در الزام شرکت‌ها به گزارشگری به‌هنگام اطلاعات، افزایش پاسخگویی مدیران، کاهش تقلب و عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش و ارتقای سطح شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه، رفع و خنثی‌سازی ناهنجاری و عوامل جرم‌زا در شرکت‌ها اثرگذار است.

در نهایت به عنوان الگوی سیاستی، بهره‌مندی از مقررات تنظیم بازار در نیل به این مقصود راهگشا خواهد بود، به این علت که تدابیر کیفری حداقلی و کمینه‌گرا در حوزه کسب‌وکار، ضمن پیشگیری از ناهنجاری‌ها، از ناکارآمد شدن بخش‌های مولد اقتصادی ممانعت به عمل می‌آورد.

منابع

- ارجمندزاد، ع. (۱۳۸۵). چارچوبی برای نظام‌های کنترل داخلی در واحدهای بانکی. تهران: انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری مستقر در بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری.
- پیوندی، س. (۱۳۹۳). بکارگیری مدل بیش‌به‌ت پیش‌بینی ثقلب و ارتباط آن با بازده سهام و کیفیت سود با رویکرد حسابداری جنایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان.
- جعفری، ا. (۱۳۹۳). حقوق کیفری کسب‌وکار. تهران: انتشارات شهر دانش.
- حاجیان، ح. (۱۳۹۲). ثقلب و مسئولیت‌های کمیته حسابرسی. حسابرس، شماره ۶۴: ۵۸.
- حاجیه، ز.، محمدحسین‌زاد، س. (۱۳۹۴). عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷(۲۶).
- حاجیه، ز.، مرادیان، ب. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات و ارزش شرکت بر سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران. دانش سرمایه‌گذاری، ۳(۱۲).
- حساس یگانه، ی.، اسکو، و.، داغانی، ر. (۱۳۸۸). ثقلب در شرکت‌ها: چه کسانی هشدار می‌دهند. حسابدار، شماره ۶.
- حکمت، س. (۱۳۹۲). بررسی رابطه اختلاف رشد درآمد (معیار مالی) و رشد کارکنان (معیار غیرمالی) با گزارشگری مالی متقلبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- خردیار، س.، محمدی نوده، ف.، حقیقت شهرستانی، م. (۱۴۰۰). تأثیر اثربخشی حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی بر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و حسابرس. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۳(۸۰).
- دل آشوب، س. (۱۳۹۵). بررسی و راهکارهای جلوگیری از ثقلب در سیستم‌های مالی. در: دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم. رشت: دانشگاه فنی و حرفه‌ای میرزا کوچک صومعه سرا.
- سلیمانی، غ.ر.، مقدسی نیکجه، م. (۱۳۹۳). نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری حاکمیت شرکتی. پژوهش حسابداری، ۳(۱۲).
- عباس‌زاده، م.ر.، محمدی، ج.، محمدی، ک. (۱۳۹۰). ضرورت وجود کنترل‌های داخلی در بخش عمومی. حسابرسی، شماره ۵۶.
- فروغی، د.، امیری، ه.، میرزایی، م. (۱۳۹۰). تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۳.
- قورچی بیگی، م. (۱۳۹۸). تحلیل کیفی از بزهکاری بقیه سفیدها، فهم زمینه‌ها و انگیزه‌ها. مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۰.
- منصوریان، ی. (۱۳۹۰). نقدی بر کتاب پژوهش کیفی: مطالعه آنچه رخ می‌دهد. کتاب ماه کلیات، شماره ۱۶۳: ۵۷-۶۰.
- مهربان‌پور، م.ر.، نوری‌زاده، ز. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین ساختار راهبری شرکتی و احتمال گزارشگری مالی متقلبان. شرکت‌ها. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۰.
- نجفی توانا، ع.، قورچی بیگی، م.، کریمی اسکینی، ع. (۱۴۰۰). تحلیل کیفی جرائم شرکتی در حوزه بورس. ره یافت پیشگیری از جرائم، شماره ۴.
- نیازپور، ا.ح. (۱۳۹۶). تکالیف سازمان بورس و اوراق بهادار در زمینه پیشگیری از جرم. راهبرد، ۲۶(۸۲): ۳۲۷-۳۵۵.
- همت‌فر، م.، مقدسی، م. (۱۳۹۲). بررسی کیفیت افشاء (قابلیت اتکاء به موقع بودن) بر ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰(۲).

هومن، ح.ع. (۱۳۹۴). راهنمای علمی پژوهش کیفی. تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.

References

- Abbaszadeh, M., Mohammadi, J., & Mohammadi, K. (2011). The necessity of internal controls in the public sector. *Auditing Journal*, No. 56. [in persian]
- Aliya, A. (2014). Impact of corporate crime on developing capital markets: Case study of Nigeria. *Journal of Studies in Social Sciences*, No. 2: 186-196.
- Arjmand Nejad, A. (2006). *A framework for internal control systems in banking units*. Tehran: Banking Supervision Committee Publications, Bank for International Settlements, Banking and Credit Studies Group, General Directorate of Bank and Credit Institutions Supervision. [in persian]
- Carcello, J. & Neal, T. (2000). Audit committee characteristics and auditor reporting. *The Accounting Review*, 75(4).
- Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. Los Angeles: Sage, 2nd ed.
- Cleff, T., Naderer, G. & Volkert, J. (2013). Motives behind white collar crime: Results of a quantitative and qualitative study in Germany. *Society and Business Review*, 8(2): 145-159.
- Davidson, L.P. & Wilkins, M.S. (2001). The information content of withdrawn audit qualifications: new evidence on the value of subject-to opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20(2): 134-153.
- Del Ashoob, S. (2016). *Examination and strategies to prevent fraud in financial systems*. In: Second International Conference on Accounting and Management in the Third Millennium. Rasht: Mirza Koochak Technical and Vocational University. [in persian]
- Desai, R., Desai, V., Libby, T. & Srivastava, R.P. (2017). External auditors' evaluation of the internal audit function: An empirical investigation. *International Journal of Accounting Information Systems*, 25: 1-12.
- Flori, A.M. (1999). *Transnational civil society*. Tokyo: Japan Center for International Exchange.
- Foroughi, D., Amiri, H. & Mirzaei, M. (2011). The impact of lack of financial information transparency on the future risk of stock price decline in listed companies. *Financial Accounting Research*, No. 3. [in persian]
- Hajian, H. (2013). Fraud and the responsibilities of the audit committee. *Auditor Journal*, No. 64: 58. [in persian]
- Hajiha, Z. & MohammadHossein Nejad, S. (2015). Factors affecting significant weaknesses in internal control. *Financial Accounting and Auditing Research*, 7(26). [in persian]
- Hajiha, Z. & Moradian, B. (2014). Examination of information asymmetry and firm value on investment in Tehran Stock Exchange. *Investment Knowledge*, 3(12). [in persian]
- Hekmat, S. (2013). *The relationship between revenue growth discrepancies (financial criteria) and employee growth (non-financial criteria) with fraudulent financial reporting*. Master's thesis. Shahid Beheshti University. [in persian]
- Hematfar, M. & Moghaddassi, M. (2013). Examination of the quality of disclosure (reliability and timeliness) on the value of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Auditing and Accounting Reviews*, 20(2). [in persian]
- Hessas Yeganeh, Y., Osku, V. & Dagani, R. (2009). Fraud in companies: Who sounds the alarm?

- Accountant Quarterly, No. 6. [in persian]
- Homan, H. (2015). *A scientific guide to qualitative research*. Tehran: SAMT Publications, 7th ed. [in persian]
- Hsiu, J.F. (2006). Effect of financial information transparency on investor behavior in Taiwan stock market. *ProQuest Database*, 16(3): 6-22.
- Jafari, A. (2014). *Business Criminal Law*. Tehran: Shahre Danesh Publications. [in persian]
- Kheradylar, S., Mohammadi Nodeh, F. & Haghighat Shahrestani, M. (2021). The impact of internal audit effectiveness and financial reporting quality on information asymmetry between manager and auditor. *Accounting Advances Journal*, 13(80). [in persian]
- Mansourian, Y. (2011). A critique of the book "Qualitative Research: Studying What Happens. *Ketab-e-Mah Kolliyat*, 163: 57-60. [in persian]
- Mehrabanpour, M. & Norizadeh, Z. (2018). Examination of the relationship between corporate governance structure and the probability of fraudulent financial reporting. *Auditing and Accounting Research*, No. 40. [in persian]
- Najafi Tavana, A., Qorchi Beigi, M. & Karimi Eskayini, A. (2021). Qualitative analysis of corporate crimes in the stock market. *Scientific Quarterly of Crime Prevention Approaches*, No. 4. [in persian]
- Niazipour, A. (2017). Duties of the Securities and Exchange Organization in crime prevention. *Strategic Quarterly*, 26(82): 327-355. [in persian]
- Peyvandi, S. (2014). *Application of the Beneish model to predict fraud and its relationship with stock returns and earnings quality with a forensic accounting approach*. Master's thesis. Semnan University. [in persian]
- Qorchi Beigi, M. (2019). Qualitative analysis of white-collar crime: Understanding the contexts and motivations. *Iranian Social Issues Quarterly*, No.10. [in persian]
- Rae, K., Sands, J. & Subramaniam, N. (2017). Associations among the five components within COSO internal control-integrated framework as the underpinning of quality corporate governance. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 11(1): 28-54.
- Rezaei, Z. (2005). Causes, consequences, and deterrence of financial statement fraud. *Critical Perspectives on Accounting*, 16(3): 277-298.
- Richard, O. (2004). *What is transparency?* United States: McGraw-Hill Companies.
- Silverman, D. (2005). Instances or sequences? Improving the state of the art of qualitative research. *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research*, 6(3): 25-39.
- Soleimani, G.R. & Moghaddasi Nikjeh, M. (2014). The role of internal controls, internal audit, and audit committee in improving corporate governance systems. *Accounting Research*, 3(12). [in persian]
- Strauss, A. & Corbin, J. (2015). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Trans. B. Mohammadi. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Vizon, L.W. & et al. (2000). *Economic crime against consumers and investors*. Available at: https://www.unafei.or.jp/publications/pdf/RS_No55/No55_23RC_Group3.pdf
- Wanath, T. & Kaufman, D.E. (1999). *Toward transparency in finance and governance*. The World Bank.

- Wei, T. (2002). Causal factors of corporate crime in Taiwan: Qualitative and quantitative findings. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 46(2): 183-205.
- Wells, J.T. (2017). *Corporate fraud handbook: Prevention and detection*. Hoboken, NJ: Wiley, (4th ed).